

فصلنامه علمی و پژوهشی «بررسی‌های حسابداری

سال سوم - شماره ۹ - پائیز ۱۳۷۳

صص ۲۲-۴۲

ضرورت بازنگری جایگاه سیستمهای اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه حسابداری

محمد عرب مازار یزدی

دنیای امروز دنیای اطلاعات است و کسی برنده است که اطلاعات بیشتر و مربوطتری در اختیار داشته باشد. بی توجهی به این مهم می‌تواند منشاء مخاطراتی عمده در تصمیم‌گیریها باشد. در این مقاله ضمن بررسی مختصری پیرامون جایگاه کنونی سیستمهای اطلاعاتی حسابداری در آموزش حسابداری و نظام اطلاعاتی سازمانهای ایرانی، اهمیت این جایگاه مورد تأکید قرار گرفته و چگونگی توجه جدی‌تر به این موضوع مطرح شده است.

در ادبیات مدیریت، تصمیم‌گیری را از اهم وظایف مدیران و گاه تمام شغل آنها می‌دانند. تردیدی نیست که مدیران سازمانها دائماً مواجه با موقعیتهایی می‌شوند که نیازمند اتخاذ تصمیمات درست است و تصمیم‌گیری چیزی جز انتخاب راه کاری معین از میان گزینه‌های موجود و ممکن نیست. آنچه بیش از هر چیز در تصمیم‌گیری اهمیت دارد، تعریف صحیح مشکل یا مسأله است و پس از آن، یافتن راه‌حلهای ممکن برای آن مسأله و نهایتاً انتخاب از

میان این راه حل‌هاست که اهمیت می‌یابد. در تمامی این فرآیند، نقش برجسته و مهم اطلاعات کاملاً مشهود است. در واقع بدون اطلاعات صحیح و نسبتاً دقیق امکان تعریف درست مشکل وجود ندارد و بدون اطلاعات، نه می‌توان راه‌های مناسب را مشخص کرد و نه راهنمایی برای انتخاب صحیح در دست است.

امروزه، سازمانها، اعم از کوچک و بزرگ، درگیر موقعیتهای به مراتب پیچیده‌تر از گذشته‌اند. موضوعاتی نظیر رقابت فشرده در بازار، نوسانات اقتصادی، بحرانهای روزمره در روابط بین‌المللی، پیشرفت سریع تکنولوژی در اغلب زمینه‌ها، حساسیت بیش از پیش عامل انسانی در سازمان و بسیاری از مسائل دیگر، اداره سازمانها را بسیار دشوارتر از گذشته کرده است. مدیریت از وضع «یک تصمیم برای یک عمر» به وضع «یک تصمیم برای یک روز» بعضاً تغییر موضع داده است. به جرأت می‌توان گفت مدیران سازمانهای بزرگ اقتصادی، پنجاه سال پیش از این به مراتب با تصمیمات ساده‌تری نسبت به آنچه امروز اتخاذ می‌کند، مواجه بوده‌اند.

اگر چه پیچیدگی شرایط، اهمیت دسترسی به اطلاعات و افزودن شدن نقش اطلاعات در تصمیم‌گیریها را مضاعف کرده است، با این همه مدیران امروز نسبت به نسل پیش از خود شانس بیشتری برای دسترسی سریعتر، مطمئن‌تر و حتی گاه بسیار ارزانتر از گذشته به اطلاعات، دارند. علت این امر رشد بسیار سریع تکنولوژی داده‌پردازی به ویژه در دو دهه اخیر بوده است. طی این سالها چهره محیط‌های کاری نیز تغییر یافته و خودکار سازی بسیاری از فرآیندهای اداری یا آنچه اصطلاحاً اتوماسیون اداری خوانده می‌شود در نحوه گردآوری، فرآوری، انتشار و مبادله اطلاعات تحولات اساسی پدیده آورده است. قیمت‌های بالنسبه ارزان بسیاری از این تجهیزات دفتری علی‌رغم ارتقاء تکنولوژیک هر روزه آن، امکاناتی بسیار خوب در اختیار مدیران گذاشته و آرزوی دیرینه آنها برای افزایش سرعت دسترسی و مبادله اطلاعات تا حد مطلوب، عملاً تحقق یافته است.

علی‌رغم فراهم بودن امکانات سخت‌افزاری فرآوری و مبادله اطلاعات، می‌توان ادعا کرد که رشد تکنولوژی ساخت تجهیزات اطلاعاتی به مراتب بیش از رشد تکنولوژی ساخت نرم‌افزارهای مناسب برای بهره‌برداری از این امکانات بوده است. اگر چه شرکتهای

بی‌شماری در سراسر جهان امروزه به تولید انواع نرم افزارها برای استفاده از تجهیزات موجود اشتغال دارند اما در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای غیر صنعتی یا در حال توسعه، نظامهای اطلاعاتی مناسب برای بهره‌برداری بهینه از امکانات سخت‌افزاری موجود پدید نیامده است. این نقیصه را نمی‌توان تماماً ناشی از ناتوانی نرم‌افزار سازان دانست بلکه از لحاظ شکل‌گیری نظامهای اطلاعاتی سازمانی، ضعف اساسی متوجه تصمیم‌گیرندگانی است که به ارزش اطلاعات صحیح و به موقع واقف نبوده یا دانش کافی نسبت به امکانات فرآوری و مبادله اطلاعات ندارند. ضعف نظام اطلاعاتی در بیشتر موارد منجر به ضعف تصمیم‌گیری و در واقع ضعف در اداره امور می‌شود.

در اغلب سازمانها بخش عمده تصمیمات مدیران به نحوی درگیر با اطلاعات مالی است و به همین دلیل اطلاعات مالی در بیشتر موارد نقش کلیدی دارد. ضعف نظام اطلاعاتی سازمان معمولاً نقصان نظام اطلاعاتی حسابداری را نیز در بطن خود دارد و ناتوانی در دسترسی صحیح و به موقع به اطلاعات مالی زیانهای گاه جبران‌ناپذیر، به بار می‌آورد. آیا شکل‌گیری یک نظام درست اطلاعات مالی در عصر پیشرفت تکنولوژی اطلاعات آن قدر مشکل است که نباید به فکر آن بود؟ ریشه‌های ضعف موجود در سیستمهای اطلاعاتی حسابداری بسیاری از شرکتها در کجاست؟ در این بحث مختصر ضمن ارائه نکاتی در جهت یافتن پاسخ به این قبیل سؤالات، جایگاه موضوع سیستمهای اطلاعاتی حسابداری در حرفه و آموزش حسابداری کشورمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیستمهای اطلاعاتی حسابداری در برنامه آموزش رشته حسابداری

مباحث مربوطه به نظامهای اطلاعاتی حسابداری در زمره موضوعاتی است که در سالهای اخیر مورد توجه بیشتر برنامه‌ریزان آموزش حسابداری قرار گرفته است. در کشورهای صادرکننده تکنولوژی حسابداری نیز آموزش موضوعات مرتبط با سیستمهای اطلاعاتی حسابداری هنوز جوان است و مثل سایر دروس این رشته، جا افتاده و شکل یافته نشده است. فردریک وو طی تحقیقی نشان داده است که در دانشگاه‌های آمریکا، درس سیستمهای اطلاعاتی حسابداری دارای موضوعات واحدی نیست و اگر چه برخی از مباحث آن در

دانشگاه‌های مختلف همسان و یکنواخت است اما در خیلی از موارد متفاوت است.^۱ و وعلت این امر را فقدان برنامه آموزشی استاندارد شده برای درس سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و عدم توافق نظر بین مدرسین پیرامون گنجاندن موضوعاتی نظیر برنامه نویسی کامپیوتر در برنامه این درس می‌داند.

اگر چه امروزه در اغلب کتابها، حسابداری را به عنوان یک سیستم اطلاعاتی تعریف می‌کنند که کارش فرآوری داده‌های مالی است اما متأسفانه این درس در برنامه آموزشی رشته حسابداری جایگاهی ندارد. اصولاً دروس مختلفی که به دانشجویان رشته حسابداری در سراسر دنیا ارائه می‌شود به گونه‌ای است که دانشجویان را در موضع «استفاده کننده» از اطلاعات حسابداری قرار می‌دهد و تقریباً در هیچ یک از دروس این رشته (به استثنای برخی موارد جزئی در حسابداری بهای تمام شده) دانشجویان با چگونگی شکل‌گیری نظام اطلاعاتی حسابداری آشنا نمی‌شوند. قوانین حاکم بر این نظام را می‌آموزند بدون آنکه بدانند چگونه بوجود آمده است و در سیکل حیات خود چه دورانهایی را پشت سر می‌گذارد.

دروس اصلی رشته حسابداری آموخته‌های دانشجویان را اینگونه مورد ارزیابی قرار می‌دهد که اطلاعات را در مورد عملیات یک شرکت در اختیارشان می‌گذارد نهایتاً از آنها می‌خواهد تا چگونگی ثبت این رویدادها در دفاتر شرکت و یا انجام محاسباتی بر اساس ارقام و اعداد داده شده را نشان دهند. تقریباً در هیچ یک از این دروس به دانشجویان نمی‌آموزند که این اطلاعات یا داده‌ها چگونه فراهم شده‌اند؟ به کمک چه نوع فرمهایی؟ در چند نسخه؟ با امضای چه کسانی؟ چگونه صحتشان تأیید شده؟ مستند به چه اسنادی است؟ و نظایر اینها.

به گفته کوشینگ^۲ دانشجویان رشته حسابداری در آینده شغلی خود متصدی هر سمتی که

1- Fredrick H. Wu. "Teaching Accounting Information Systems: A Synthesis", Issues In Accounting Education, 1983, PP. 132-142.

2- Barry E. Cushing, "Accounting Information Systems and Business Organizations", Addison Wesley, 1982, P. 3.

شوند با حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی درگیر خواهند بود. پس باید آن را بشناسند و صرفاً به صورت جعبه سیاه به آن نگاه نکنند به گفته وی دانشجویان این رشته معمولاً به عنوان حسابدار، حسابرس یا مدیران سازمانها مشغول بکار می‌شوند و در هر یک از مشاغل عدم آگاهی آنها از موضوع سیستمهای اطلاعاتی حسابداری مشکلاتی را بوجود می‌آورد. در موضع یک حسابدار آن هم با تحصیلاتی در حد کارشناس این رشته باید دقیقاً با نظام اطلاعاتی حسابداری، چگونگی تکوین آن و مسائل مختلفی از قبیل کدگذاری، طراحی فرمهای لازم، شناخت جریان گردش اطلاعات و طراحی آن آشنا بوده و به تیم طراحی سیستمهای اطلاعاتی در موارد لزوم کمکهای فنی ارائه دهند.

در موضع یک حسابرس نیز نمی‌توانند بدون آشنایی با موضوع سیستمهای اطلاعاتی حسابداری کار خود را صحیح انجام دهند. چگونه یک حسابرس بدون شناخت کافی از نحوه کار یک نظام اطلاعاتی و مجموعه امکانات و مستندات آن می‌تواند صحت عملکرد آن را تأیید کرده یا زیر سؤال ببرد. وقتی حسابرس دانش کافی در زمینه شناخت جریان صحیح و مطمئن اطلاعات نداشته باشد صرفاً با اتکاء به استانداردهای پذیرفته شده حسابداری نمی‌تواند وظیفه خود را انجام داده و در مورد چند و چون صحت عملیات اظهار نظر کند. به ویژه در زمینه حسابرسی داخلی، ضعف آگاهی حسابرس از موضوع سیستمهای اطلاعاتی حسابداری مشکلی جدی‌تر خواهد بود و می‌تواند به نتایج کار او لطمات زیادی وارد کند.

در موضع مدیر یک سازمان یا بخشی از یک سازمان نیز آگاهی از کم و کیف سیستمهای اطلاعاتی و توانایی برای مشارکت در امر طراحی نظام اطلاعاتی یا اظهار نظر در مورد کیفیت عمل آن، مسأله‌ای مهم و اساسی است. اگر دانشجوی حسابداری امروز، فردا در این جایگاه نیز بخواهد خدمت کند فقر دانش او در زمینه سیستمهای اطلاعاتی، مشکل آفرین خواهد بود. اینکه دروس مختلف رشته حسابداری از موضع سیستمهای اطلاعاتی به مباحث مربوطه نمی‌نگرند خاص کشور ما نیست و تقریباً در همه جای دنیا کتابهای رشته حسابداری به همین سیاق تدوین و تألیف می‌شود. مشکل فقدان موضوعات مرتبط با سیستمهای اطلاعاتی حسابداری در سایر دروس این رشته با گنجاندن درس یا دروس مستقلاً در حوزه دانش سیستمها جبران می‌شود. در برنامه آموزشی رشته حسابداری در دانشگاه‌های آمریکا این

دروس به تدریج جای خود را باز کرده‌اند.^۱ در این قبیل آموزشهاست که دانشجویان خود را با موضوعات عملی در طراحی و پیاده کردن سیستمهای اطلاعاتی درگیر می‌یابند و مجبور می‌شوند برای آن فکر کنند و چاره‌ای بیاندیشند. حداقل برای اولین بار یک فرم صورتحساب فروش یا مثلاً رسید انبار را خودشان طراحی کرده و یا چگونگی کدگذاری حسابهای یک شرکت را تجربه کنند.

در برنامه آموزشی رشته حسابداری در دانشگاه‌های کشورمان درس سیستمهای اطلاعاتی حسابداری از جمله دروسی است که در سطح کارشناسی ارشد به دانشجویان ارائه می‌شود و آن هم به صورت یک درس ۳ واحدی اختیاری که البته دانشجویان مجاز است آن را انتخاب نکنند. بنابر این، برنامه از لحاظ بها دادن به موضوع سیستمهای اطلاعاتی حسابداری بسیار فقیر است. شاید یکی از دلایل ترجیح فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری برای کار در شرکتهایی که دارای سیستم جا افتاده حسابداری است آن باشد که اصولاً در خود توانایی ایجاد یا اصلاح سیستمهای اطلاعاتی و یا حداقل مشارکت در چنین فرآیندهایی را نمی‌یابند و غالباً در سیستمهای بعضاً ناقص یا کهنه و بی اثر موجود، هضم می‌شوند و گاه متعصبانه از آنها دفاع هم می‌کنند. در حالی که این انتظار وجود دارد که اندیشه‌های بارور شده در محیط‌های علمی بتواند منشاء آثاری به مراتب ارزشمندتر از این باشد و تحولاتی را در جهت اصلاح و بهبود نظامهای اطلاعاتی موجود، پدید آورد.

برنامه آموزش حسابداری نیاز به اصلاح جدی در این زمینه دارد و به هر شکل ممکن باید دروس مختلفی در برنامه‌های سطوح کارشناسی ارشد رشته حسابداری بر پایه مباحث مربوط به سیستمهای اطلاعاتی حسابداری، گنجانده شود. هماهنگی و نحوه ارتباط این دروس با سایر دروس تخصصی رشته حسابداری از یکسو و با دروس مرتبط با تکنولوژی داده‌پردازی (دروس مرتبط با مبانی و کاربرد کامپیوتر یا برنامه‌نویسی برای آن) از سوی دیگر نیز باید به دقت تعریف و رعایت شود. این امر مستلزم بازنگری سرفصل تمامی این دروس به ویژه واحدهای مرتبط با کامپیوتر و داده‌پردازی است. به نظر می‌رسد بتوان با تغییراتی در

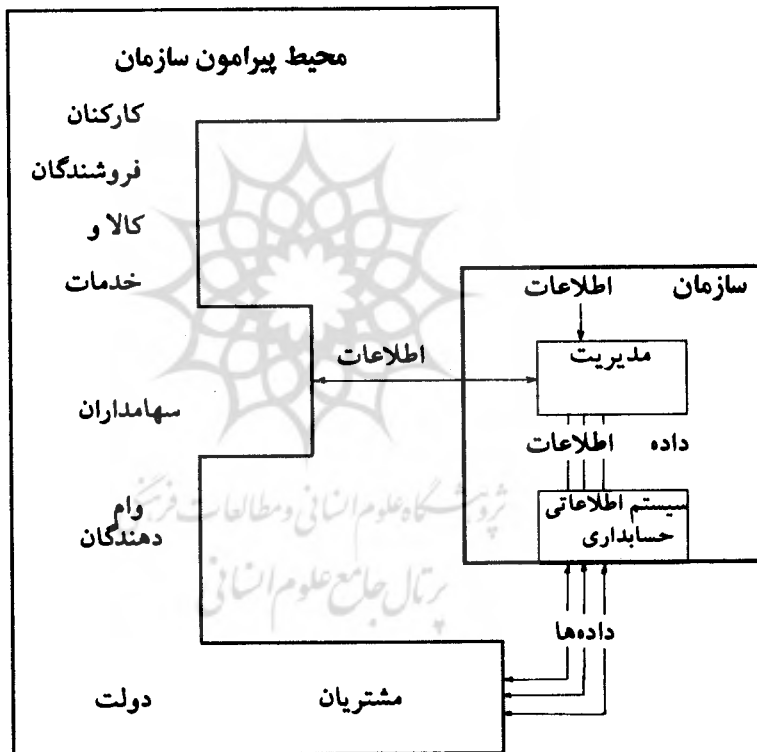
مفاد و نحوه آموزش کلیه دروس حسابداری مالی و بهای تمام شده، بنحوی فضای لازم برای تسلط تعریف «سیستم اطلاعاتی» از حسابداری را فراهم کرد و همه مباحث حتی المقدور از این زاویه دید مطرح شود. چنین رویکردی احتمالاً به سهولتِ درک پیوستگی کلیه مباحث حسابداری توسط دانشجویان کمک زیادی خواهد کرد بنحوی که تمامی موضوعات را در چهارچوب یک نظام منسجم اطلاعاتی خواهند نگریست.

پیشنهادهای مشخص در مورد چنین تغییراتی مستلزم بررسیهای کارشناسانه و کسب نظر اهل فن است اما ضرورت و فوریت آن قابل انکار نیست. در آموزش حسابداری این خلاء وجود دارد و سرمایه‌گذاری برای رفع آن گامی در جهت ارتقاء کیفیت آموخته‌های دانشجویان و آمادگی بیشتر آنها در جهت حل معضلاتی است که امروزه نظامهای اطلاعاتی حسابداری، یا آنچه در شرکتها بر آن نام سیستم اطلاعاتی حسابداری نهاده‌اند، با آن دست به گریبان است.

جایگاه سیستمهای اطلاعاتی حسابداری در سازمانها

در هر سازمانی، مدیریت، مسؤل پاسخگویی در باره عملکرد سازمان است و در برابر طرفهای داخلی و خارجی سازمان، مسؤلیت دارد. برای جوابگویی به تمامی مدعیان داخلی و خارجی، مدیران به اطلاعات مربوط، به موقع، دقیق و کافی نیاز دارند و هرگونه مسامحه یا بی‌دقتی در ارائه این اطلاعات به طرف مقابل، می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در امر اداره سازمان یا به دردسر افتادن خود مدیران شود. سهامداران، دولت، مشتریان، تأمین‌کنندگان کالا و خدمات و حتی کارکنان شرکت (به عنوان شخصیت‌های حقیقی مستقلی که با سازمان قرارداد انجام کار بسته‌اند) در خیل استفاده‌کنندگان خارجی اطلاعات سازمان بشمار می‌روند. در داخل سازمان نیز قسمتهای مختلف، بسته به نوع فعالیتشان، اطلاعاتی از مدیران دریافت می‌کنند. علاوه بر اطلاعاتی که مورد مطالبه طرفهای داخلی و خارجی سازمان است، اطلاعات بسیار بیشتری نیز مورد نیاز خود مدیران برای تصمیم‌گیریها و انتخابهای درست و آگاهانه است. نیازهای اطلاعاتی مدیران نیز بخاطر پیچیده‌تر شدن روز به روز شرایط محیطی و محاطی شرکتها و سازمانها، تنوع و پیچیدگی بیشتری یافته و امروزه استفاده‌کننده اصلی اطلاعات یک سازمان، خود مدیران می‌باشند.

نکته حائز اهمیت، این است که در قریب به اتفاق سازمانها، بخش عمده‌ای از اطلاعات مورد بحث در قلمرو اطلاعات مالی است و به همین دلیل اهمیت و نقش برجسته این قبیل اطلاعات در افزایش توان جوابگویی و تصمیم‌گیری مدیران کاملاً مشهود است. کوشینگ با نمودار شماره یک نشان می‌دهد سازمان با محیط خود چگونه ارتباط اطلاعاتی برقرار می‌کند.^۱ در این شکل ساده که E نمادی از محیط خارجی سازمان است نحوه تأمین اطلاعات مورد نیاز مدیریت برای پاسخگویی به محیط نشان داده شده است.



شکل شماره ۱- ارتباط سیستم اطلاعاتی حسابداری با سازمان و محیط پیرامون آن

همانطور که در شکل شماره یک ملاحظه می‌کنید پاسخگویی سازمان در برابر محیط

خارجی (ارتباط اطلاعاتی با محیط) صرفاً از طریق مدیریت انجام می‌شود و بخش اعظم اطلاعات مورد نیاز مدیریت، اطلاعات مالی است که از طریق سیستم اطلاعاتی حسابداری تأمین می‌شود. در هر حال مجموعه اطلاعاتی که مدیریت برای انجام وظایف خود اعم از پاسخگویی و تصمیم‌گیری به آن نیاز دارد، از طریق نظام اطلاعاتی مدیریت فراهم می‌شود. نظام اطلاعاتی مدیریت به طور خلاصه مجموعه‌ای از منابع انسانی و سرمایه‌ای است که در هماهنگی با یکدیگر اطلاعات مورد نیاز مدیریت را در تمامی سطوح از طریق فرآوری داده‌ها تأمین می‌کند. در واقع کار اصلی این نظام اطلاعاتی نیز مثل سایر سیستمهای اطلاعاتی، تبدیل داده‌ها به اطلاعات است. به این ترتیب نظام اطلاعاتی حسابداری زیر مجموعه‌ای از یک سیستم بزرگتر (سیستم اطلاعاتی مدیریت) محسوب می‌شود، اما همانطور که گفته شد مهم‌ترین زیر مجموعه این نظام اطلاعاتی است. نمودار شماره دو این رابطه را به شکل واضح‌تری نشان می‌دهد.

نظام اطلاعاتی مدیریت علاوه بر سیستم اطلاعاتی حسابداری زیر مجموعه‌های دیگری نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از سیستمهای اطلاعاتی تولید،^۲ بازاریابی،^۳ پرسنل، (منابع انسانی)،^۴ موجودیها^۵ و در سالهای اخیر سیستم اطلاعاتی مدیریت اجرایی (EIS)^۶. آنچه بیان شد نشانگر اهمیت بسیار زیاد اطلاعات مالی در اکثر سازمانهاست. طبعاً ضعف نظام اطلاعاتی حسابداری یا بدکار کردن آن می‌تواند موجبات فلج شدن سازمان در مواجهه با شرایط محیطی و محاطی را فراهم آورد. با این اوصاف مدیران علی‌القاعده باید تلاش

1- Raymond Mcleod, Jr., "Management Information Systems", MacMillan, 1990, P.

304.

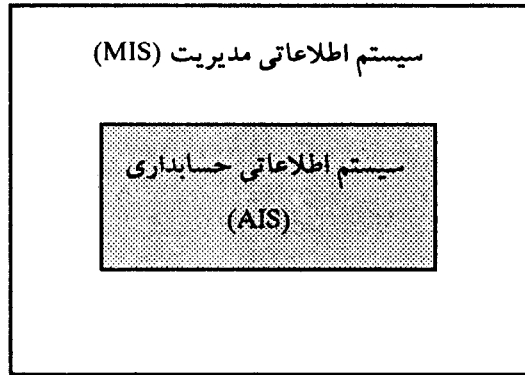
2- Manufacturing Information System.

3- Marketing Information System.

4- Human Resources Information System.

5- Inventories Information System.

6- Executive Information System.



شکل شماره ۲ - سیستم اطلاعاتی حسابداری مهم‌ترین زیر مجموعه سیستم اطلاعاتی مدیریت

بسیاری را در جهت برقراری یک نظام صحیح و کارآمد اطلاعاتی مصروف کنند تا بتوانند وظایف روزمره خود را به انجام برسانند. اما متأسفانه در عمل چنین اتفاقی کمتر رخ می‌دهد. طبیعتاً این سؤال مطرح می‌شود که چرا مدیران نقش و جایگاه سیستم اطلاعاتی مدیریت و در نتیجه سیستم اطلاعاتی حسابداری را جدی نمی‌گیرند؟ در این بخش از مقاله بیشتر درصدد پاسخ به این پرسش هستیم که چرا نظامهای اطلاعاتی حسابداری در سازمانهای ایرانی جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده‌اند؟ آیا بدون چنین نظامهایی مدیران قادر به تصمیم‌گیری و جوابگویی در برابر محیط خود هستند؟

دلایل عدم استقرار نظامهای اطلاعاتی حسابداری صحیح در سازمانها

دلایل اصلی برای عدم استقرار سیستمهای مطلوب اطلاعاتی حسابداری در سازمانهای ایران را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

۱) ناآگاهی مدیران از نقش و قابلیت‌های سیستمهای اطلاعاتی حسابداری

۲) مالیات مداری نظامهای اطلاعاتی حسابداری در ایران.

احتمالاً عوامل دیگری نیز در پیدایش چنین وضعیتی دخالت داشته‌اند. اما به نظر می‌رسد دو علت یاد شده از اهم علل این وضعیت است. نکته مهم و قابل توجه این است که

علت دوم خود می‌تواند ناشی از علت اول بروز مشکل باشد. شاید اگر قدری این بحث بیشتر باز شود اهمیت دو عامل یاد شده در بیماری بعضاً پنهان اطلاعاتی سازمانهای ایرانی نیز بیشتر آشکار شود.

۱- ناآگاهی مدیران از نقش و اهمیت سیستمهای اطلاعاتی حسابداری

این مشکل در عدم سامان یافتن نظامهای اطلاعاتی حسابداری نقشی غیر قابل انکار داشته است و اگر چنین مشکلی وجود نمی‌داشت زمینه‌های پیشرفت بیشتری برای سازمانها از طریق اتخاذ تصمیمات صحیح و به موقع و متکی بر اطلاعات به جای اتخاذ تصمیمات شهودی و متکی بر تجربه شخصی، پدید می‌آمد. مدیران غالباً نسبت به فرآیندهای تولید اطلاعات مالی ناآگاهند و نمی‌دانند آثار روشهای مختلف حسابداری بر ارقام تولید شده چیست. تکنیکهای محاسبه بهای تمام شده و تفاوت آنها با یکدیگر کدام است و تورم چگونه بر ارقام ترازنامه و سود و زیان شرکت اثر می‌گذارد. قلمرو حسابداری مدیریت را نمی‌شناسند و از کمکی که می‌تواند به اتخاذ تصمیمات صحیح تر توسط آنها کند، ناآگاهند. ریشه این ناآگاهی در چیست؟ و چگونه بر طرف می‌شود؟

یکی از دلایل اصلی عدم آشنایی مدیران اغلب سازمانها با توانایی و قابلیت‌های سیستمهای اطلاعاتی حسابداری به زمینه تحصیلات و تجربیات آنها باز می‌گردد. در بیشتر موارد مدیران سازمانها از بین کسانی انتخاب می‌شوند که دانش مالی اندکی دارند و تحصیلات خود را در زمینه‌های غیر مالی به اتمام رسانده‌اند. تجربیات چنین مدیرانی نیز اغلب فاصله بسیاری از حوزه دانش حسابداری دارد.

علاوه بر تحصیلات و تجربیات نامربوط به موضوعات مالی، ناآگاهی مدیران نسبت به نقش اطلاعات در تصمیم‌گیریها و اعتماد بعضاً نادرست به تجربیات شخصی نیز دلیل بروز چنین مشکلی بوده است. نتیجه این نگرش، روی آوردن به تصمیم‌گیریهای انفعالی و گاه دستپاچگی در برابر هجوم تحولات و رویدادهای پیش‌بینی نشده محیطی است.

توفیق در برخی تصمیمات موردی، استفاده از روابط بسیار خوب شخصی با طرفهای خارجی، حذف ظاهری و موقت آثار نامطلوب تصمیمات نادرست از طریق اتخاذ تصمیمات

نادرست دیگر، که با قدری تأخیر آثار بد خود را بالاخره نشان می‌دهند، و خطرناکتر از همه حضور در بازارهای انحصاری موقت که فارغ از وجود رقبا امکان تاخت و تاز بی حد و حصر را به مدیران می‌دهد همه و همه از موانع شکل‌گیری نظامهای اطلاعاتی مدیریت و حسابداری است.

در شرایطی که مدیران بعضاً نسبت به توانایی سیستمهای اطلاعاتی حسابداری ناآگاه بوده‌اند، دست اندرکاران حوزه‌های مالی و حسابداری سازمانها نیز یا تلاش بسیار کمی برای آگاه ساختن مدیران از این تواناییها و اهمیت اطلاعات مالی بخرج داده‌اند و یا با اولین واکنش نامساعد مدیران در برابر گزارشهای خوب و قابل استفاده مالی، عقب‌نشینی کرده و مدیران را بحال خود رها ساخته‌اند. طبعاً مسؤلیت آموزش مدیران رده‌های مختلف و آگاه ساختن آنها از قابلیت اطلاعات مالی به عهده مدیران مالی و حسابداری سازمانها نیست اما آگاه کردن مدیران از خطر استفاده نادرست از اطلاعات مالی و یا عدم استفاده از چنین اطلاعاتی را می‌توان در حوزه وظایف کارشناسان مالی یک سازمان تلقی کرد.

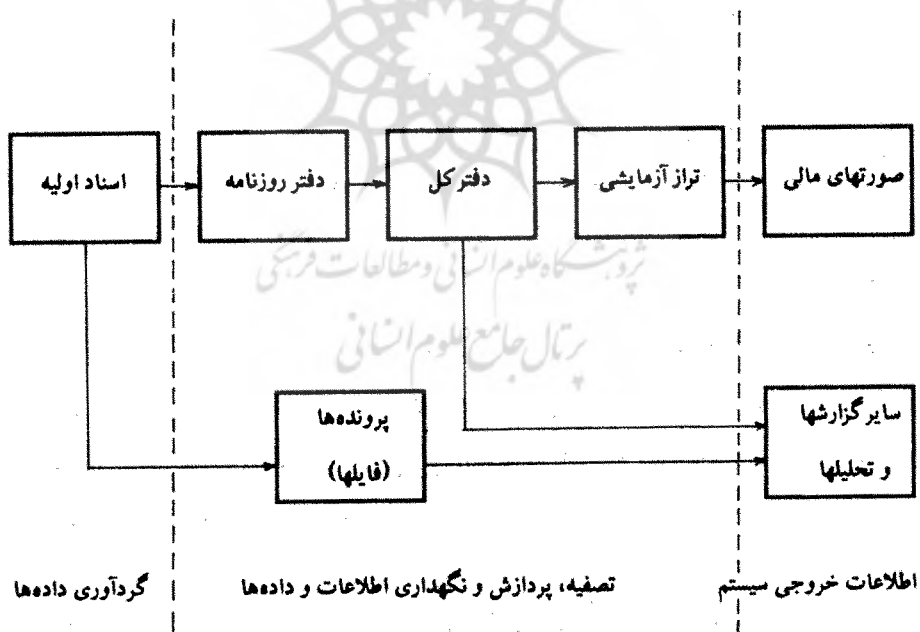
ضعف دانش مالی مدیران می‌تواند به ضعف سازمان منجر شود و برای آن باید چاره‌ای اندیشید. برخی از راه‌حلها در عمل تجربه شده و موفقیت خود را نشان داده است. شرکت در دوره‌های کوتاه مدت آموزشی و استفاده از مشاورین آگاه و دلسوز می‌تواند در ایجاد بینش مالی، عاملی مثبت و تقویت‌کننده باشد. اما در هر حال وقوف به قدر و منزلت اطلاعات مالی باید همراه با تأیید فعالیتهایی باشد که کارشناسان مالی در جهت ارائه اطلاعات و گزارشهای مدیریتی از قلمرو مسائل مالی انجام می‌دهند. تردیدی نیست که این یک رابطه دو طرفه است و بر اساس همین رابطه می‌توان از حجم انبوه اطلاعات نامربوط کاست و با واکنش مثبت در برابر اطلاعات مربوط، نظام اطلاعاتی را بهبود نسبی بخشید.

۲- مالیات مدار شدن نظامهای اطلاعاتی حسابداری در سازمانهای انتفاعی ایرانی

استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول استفاده‌کنندگانی هستند که سازمان ناگزیر از ارائه اطلاعات به آنهاست (مثل دولت و سهامداران) این گروه قانوناً حق مطالبه اطلاعات مختلف راجع به عملیات سازمان و نتایج این عملیات را دارند.

طبعاً مؤسسات تأمین مالی و بانکها نیز به هنگام تصمیم‌گیری در مورد اعطای تسهیلات مالی به سازمانها چنین اطلاعاتی را مطالبه می‌کنند و سازمان ناگزیر از ارائه اطلاعات است. اما گروه دوم استفاده‌کنندگانی هستند که اطلاعات مالی به اتخاذ تصمیم درست توسط آنها کمک می‌کند اما الزام قانونی مشخصی در مورد ضرورت ارائه اطلاعات به آنها و یا نوع و شکل گزارشدهی به ایشان وجود ندارد. به خاطر وجود این دو دسته عمده از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، سیستمهای اطلاعاتی حسابداری باید بگونه‌ای شکل بگیرند که قادر به ارائه دو نوع اطلاعات باشند:

- ۱- اطلاعات مبتنی بر الزامات قانونی و استانداردهای معین گزارشدهی مالی که عملاً حاصل حسابداری مالی و مشتمل بر صورتهای مالی اساسی و یادداشت‌های مرتبط با آنهاست.
- ۲- سایر اطلاعات مورد نیاز کاربران اطلاعات مالی.



شکل شماره ۳- سیکل داده پردازشی در سیستم اطلاعاتی حسابداری و دو نوع اطلاعات حاصل از آن

مدیران یک سازمان در راه انجام وظایف و تصمیم‌گیریهای خود در زمره استفاده‌کنندگان گروه دوم بشمار می‌روند. انواع اطلاعات و گزارشهای مالی در اشکال مختلف و زمان‌بندهای متفاوت و متناسب با نیازهای مدیریت در واقع محصول اصلی یک سیستم اطلاعاتی حسابداری تلقی می‌شود. این واقعیت را نباید نادیده گرفت که سیستم اطلاعاتی حسابداری زیر مجموعه سیستم اطلاعاتی مدیریت است یعنی هدف اولیه و اصلی آن تأمین نیازهای اطلاعاتی مدیریت است. اگر چه بخشی از این اطلاعات برای جوابگویی به طرفهای خارجی و از جمله دولت استفاده می‌شود (اطلاعات نوع اول) اما قسمت عمده تولیدات سیستم اطلاعاتی حسابداری مصرف داخلی دارد (یا علی‌القاعده باید این طور باشد). جالب اینجاست که در خیلی از موارد هر دو نوع محصولات یاد شده را می‌توان از مواد اولیه (داده‌های) مشابهی تولید کرد. در واقع فرآیندهای یک سیستم اطلاعاتی حسابداری شبیه به آشپزی ماهرانه‌ای است که با استفاده از مواد اولیه معین انواع غذاها را متناسب با نیاز و ذائقه استفاده‌کنندگان تولید می‌کند. فرآوری برخی از این محصولات چنانکه گفته شد، مبتنی بر الزامات قوانین و مقررات حاکم است و در جای خود ضروری و با ارزش است اما بخش عمده این تولیدات باید بر اساس نیازهای تعریف یا مشخص شده‌ای فراهم شود که بدون همکاری استفاده‌کنندگان آن، قابل تهیه نیست. این استفاده‌کنندگان هستند که ترکیبات تازه‌ای از داده‌های موجود را برای اتخاذ تصمیمات خود تقاضا می‌کند و در صورتی که چنین تقاضایی مطرح نشود، سیستم به همان تولیدات استاندارد شده خود بسنده خواهد کرد و حتی اگر تولیدات اضافه‌ای هم داشته باشد تضمینی وجود ندارد که استفاده مشخصی برای آن موجود باشد. گواه این مطلب انبوهی از گزارشها و اطلاعاتی است که گاه برای مدیران تهیه می‌شود و جز آنکه روی میز آنها را پر کند نتیجه دیگری ندارد.

متأسفانه به علت همان موانعی که در مورد دلیل اول (ناآگاهی از قابلیت اطلاعات مالی) ذکر شد امروزه تولید اطلاعات مالی منحصر به اطلاعات نوع اول شده است. البته در این زمینه هم شاید قدری خوشبینانه قضاوت می‌کنیم اگر بگوییم همان اطلاعات نوع اول نیز در اغلب موارد صحیح و متناسب با الزامات قوانین، استانداردها و مقررات فراهم می‌شود. بد نیست به آمار گزارشهای حسابرسی و نوع اظهار نظر حسابرسان توجه کنیم و تحقیقی در

مورد دلایل اصلی اظهار نظرهای مردود و مشروط و یا عدم اظهار نظر به عمل آید. اما با فرض اینکه سیستمهای اطلاعاتی حسابداری اطلاعات و گزارشهای نوع اول را در مطلوب‌ترین شکل آن ارائه می‌کنند هنوز کفایت این سیستمها زیر سؤال است. این ابهام ناشی از عدم کفایت سیستمها در تولید اطلاعات مورد نیاز مدیران است. امروزه توقع اصلی مدیران از سیستمهای اطلاعاتی حسابداری آن است که قدرت پاسخگویی سازمان در برابر طرفهای قدرتمند دولتی و به ویژه سیستم مالیاتی را افزایش دهد و سیستم اطلاعاتی را از دید این استفاده‌کنندگان، صحیح و قانونمند نشان دهد. به همین علت الزامات مالیاتی و قانونی تبدیل به محور اصلی گردآوری اطلاعات و گزارشدهی شده است و سیستمها و حتی حسابداریانی مطلوب‌اند که بتوانند از موانع مالیاتی بهتر عبور کنند و اگر بشود منافع شرکت را بیشتر حفظ کنند.

نمی‌توان منکر این ادعا شد که در همه جای دنیا اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان خارجی (بخصوص دولت) بگونه‌ای تهیه می‌شود که ضمن رعایت همه مقررات و قوانین حاکم منافع شرکتها و سازمانها را نیز به بهترین شکلی حفظ کند (مثلاً سبب پرداخت مالیات کمتری شود) اما نباید این واقعیت را نیز نادیده انگاشت که این تنها جزئی از وظایف یک سیستم اطلاعاتی حسابداری است و اطلاعات تهیه شده به این شکل مبتنی بر مفروضات و محدودیتهای متعددی است که اگر همین اطلاعات (صورت‌های مالی و یادداشتهای همراه آن) بخواهد مبنای تصمیم‌گیری مدیران خود سازمان نیز واقع شود به نوعی مدیران گمراه شده و به خطا می‌روند. به عنوان مثال تصور کنید دولت در برهه خاصی از زمان برای تشویق سرمایه‌گذاری امکاناتی را برای تسریع در استهلاک داراییهای ثابت (مثل روش قانونی استهلاک تسریعی^۱ در ایالات متحده) یا استفاده از برخی تخفیفات مالیاتی بخاطر سرمایه‌گذاری (مثل تخفیف مالیاتی سرمایه‌گذاری در آمریکا)^۲ برقرار سازد. در چنین شرایطی، امکانات فراهم شده توسط دولت تأثیرات عمده‌ای بر ارقام ترازنامه (مثل استهلاک

1- Accelerated Method.

2- Investment Tax Credit (ITC).

انباشته دارایی ثابت) و سود و زیان (مثل هزینه استهلاک) بجا می‌گذارد. در نتیجه رقم داراییها و سود شرکت بنحوی تصنعی (خلاف واقع) دستکاری می‌شود. چنین آثاری سبب می‌شود تا ارقام بهای تمام شده، سود ناویژه، سود خالص و نظایر آن اگر چه کاملاً بر اساس موازین قانونی گزارش شده و از این نظر صحیح تلقی می‌شوند، واقعی نباشند. اگر مدیریت بخواهد همین ارقام دستکاری شده و غیر واقعی را ملاک تصمیم‌گیریهای خود قرار دهد به خطا رفته است چون این ارقام ساخته دست خود اوست و صرفاً برای استفاده از تسهیلات یا الزامات قانونگذار بدین گونه فراهم آمده است. طبیعی است که اعتماد به ارقام یک سیستم اطلاعاتی مالیات مدار که هیچ گونه کمکی به تولید اطلاعات واقعی و مدیریتی (قابل استفاده برای مدیران) نمی‌کند، دیری نمی‌پاید و به زودی سست می‌شود. این همان اتفاقی است که به نظر می‌رسد در سازمانهای ایرانی رخ داده است و مدیران را به تجربه متوجه این موضوع کرده است که گزارشهای حاصل از چنین سیستمهای مالیات مداری (البته به فرض خوشبختانه صحت و دقت در ارائه ارقام) نمی‌تواند تکیه گاه مناسبی برای مدیریت باشد و او باید از راه‌های دیگری اطلاعات مورد نیاز خود را بدست آورد. (باز هم با این فرض خوشبینانه که متوجه این نیازها نیز هست.) طبعاً اگر مشکل نخست، یعنی ناآگاهی از قابلیت اطلاعات مالی نمی‌بود مدیران خود می‌توانستند موتور محرک فعالیت‌هایی باشند که منجر به استقرار یک نظام صحیح اطلاعاتی می‌شود و در کانون این تلاشها و فعالیتها قرار گیرند.

به دلیل همان ناآگاهی‌ها و مالیات مدار شدن سیستم حسابداری مؤسسات انتفاعی (و قانون مدار شدن سیستم اطلاعاتی مؤسسات ناسودجو یا غیر انتفاعی) در اغلب شرکتها نظام اطلاعاتی بهای تمام شده به شکل درستی استقرار نیافته و یا اصولاً وجود ندارد. مدیران از آثار تورم (که متأسفانه در کشور ما بسیار حاد و دورقمی نیز هست) بر ارقام و اطلاعات مالی بی‌خبر می‌مانند، گزارشهای مرتبی از گردش وجوه در اختیار ندارند، تصمیمات قیمت‌گذاری اغلب پایه و اساس درستی ندارد، نظامهای اطلاعاتی حسابداری از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار نیست و بسیاری مشکلات دیگر از این دست، سدی در برابر اتخاذ تصمیمات آگاهانه و به موقع ایجاد کرده است.

راه حل این مشکلات در توجه مدیران به نقش حیاتی اطلاعات و درخواست آنها برای

برقراری سیستم‌های اطلاعاتی کار آمد نهفته است. با چنین توجهی و سرمایه‌گذاری مؤثر در تولید اطلاعات (به معنای واقعی آن) اثر آن بر پیشرفت کار سازمانها و اعتماد به نفس در مواجهه با موقعیت‌های پیش‌بینی نشده و شرایط متنوع محیطی کاملاً آشکار خواهد شد.

افق‌های تازه در سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری

پیشرفت چشمگیر تکنولوژی داده‌پردازی، چنانکه گفتیم دو اثر مهم بر نظام‌های اطلاعاتی داشته است:

۱- افزایش سرعت و دقت فرآوری و مبادله اطلاعات

۲- ارزاتر شدن بهای داده‌پردازی.

این دو عامل در واقع رواج استفاده از کامپیوترها (به ویژه کامپیوترهای کوچک و در عین حال پر قدرت و ارزان) را موجب شده است. امروزه سیستم‌های اطلاعاتی بانکی، مالیاتی، بیمه و غیره در محیط بیرونی سازمانها مکانیزه شده‌اند و برای سازمانهای مختلف (اعم از انتفاعی و غیر انتفاعی) گریزی از روی آوری به سیستم‌های اطلاعاتی مکانیزه نیست. اصولاً در یک تحلیل ساده مالی نشان داده می‌شود که مکانیزه شدن سیستمها علاوه بر افزایش سرعت و دقت فرآوری اطلاعات، این فرآیندها را به مراتب ارزاتر از گذشته نیز کرده است و مقایسه هزینه‌های ناشی از سیستم‌های دستی و مکانیزه و بهای تمام شده تفاضلی آنها مدیران را به انتخاب سیستم‌های مکانیزه وا می‌دارد.

همراه با پیشرفت سریع تکنولوژی داده‌پردازی، امکانات مبادله اطلاعات از طریق ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی و توسعه امکانات مخابراتی نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. امروزه علاوه بر آنکه سازمانها می‌توانند با شعب خود در ارتباط دائم و لحظه‌ای اطلاعاتی باشند همین ارتباط را با بانکهای طرف حساب خود، شرکتهای بیمه، سیستم مالیاتی و حتی روزنامه‌های کشور نیز می‌توانند داشته باشند.

سرعت بی‌سابقه پیشرفت تکنولوژی داده‌پردازی علاوه بر آثار یاد شده تبعات دیگری را نیز برای سیستم‌های اطلاعاتی داشته است. یکی از این پی‌آمدها کوتاه شدن عمر سیستم‌های اطلاعاتی است. در گذشته سیستم‌های اطلاعاتی دستی برای سالها و گاه دهها سال بدون تغییر

اساسی کار می‌کرد اما امروزه توسعه سریع تکنولوژی اطلاعات گاه سازمانها را ناگزیر از تغییر سیستمهای موجود پس از گذشت چند سال از عمر آنها می‌کند. این امر عمدتاً ناشی از ارائه دستگاهها و تجهیزات دقیق تر و سریع تر و در عین حال ارزاتری است که گره‌های اطلاعاتی سازمان را بهتر باز می‌کند و در ضمن وسعت بخشیدن به دامنه اطلاعات قابل دسترس توان رقابتی شرکت را نیز بالاتر می‌برد، بدون آنکه مخارج خیلی سنگینی را به سازمان تحمیل کند. بنابراین شاید در هیچ زمانی بیشتر از امروز شرایط لازم برای ایجاد و بهبود سیستمهای اطلاعاتی موجود نبوده است. در ایجاد سیستمهای اطلاعاتی حسابداری نوین برخی از موضوعات تازه باید مورد توجه جدی طراحان سیستم قرار گیرد این موارد به عقیده کوشینگ^۱ عبارتند از: حسابداری داراییهای انسانی، حسابداری تومی، حسابداری اجتماعی و رویکردهای علمی در مدیریت.

۱ - حسابداری داراییهای انسانی^۲

توجه به ارزش داراییهای انسانی یک سازمان و نگهداری اطلاعات مناسب در این زمینه غالباً در سیستمهای اطلاعاتی حسابداری موجود مدنظر قرار نگرفته است. در سالهای اخیر توجه جدی به موضوع حسابداری داراییهای انسانی معطوف شده و علی‌رغم مباحثات و مجادلات فراوانی که در مورد آن بوجود آمده و همچنان ادامه دارد، موضوعی بسیار مهم و از دید حسابداری، قابل تعمق است. سیستمهای اطلاعاتی حسابداری جدید باید قادر باشد اطلاعاتی را در مورد ارزش داراییهای انسانی شرکت و چگونگی تغییرات آن به مدیریت گزارش کند. در بسیاری از سازمانهای امروز علی‌رغم پیشرفتهای تکنولوژیک نیروی انسانی به ویژه کارشناسان و نیروهای ماهر از ارزش بسیار بالایی برخوردارند و هرگونه جابجایی یا انفصال و استخدام آنها می‌تواند آثار مهمی بر سازمان داشته باشد. در نظامهای اطلاعاتی امروز گزارشی در مورد آثار مالی حضور این نیروها بر داراییهای شرکت (علی‌رغم ارزش

1- Cushing, Op. Cit., PP 25-27.

2- Human Asset Accounting.

بالای آنها) ارائه نمی‌شود و این مسأله به عنوان یک نقص جدی باید بنحوی در نظامهای تازه بر طرف شود.

۲- حسابداری تورمی^۱

آثار تورم (بخصوص در کشور ما و در سالهای اخیر) بر اطلاعات مالی غیر قابل انکار است. سیستمهای حسابداری موجود غالباً در مورد چگونگی تأثیر تورم بر صورتهای مالی گزارشهای مشخصی به مدیران ارائه نمی‌کنند و آنها را از اثرات بعضاً مهم آن بر اطلاعات مالی آگاه نمی‌سازند. این نقیصه در طراحی نظامهای نوین اطلاعاتی باید بنحوی مرتفع شود و مدیران را از دریافت به موقع اطلاعاتی در مورد چگونگی اثر تورم بر ارقام مالی، مطمئن سازد. تعداد زیادی از تصمیمات مدیریت در زمینه‌های مختلف اعم از قیمت‌گذاری محصولات و خدمات، فروشهای اعتباری، سرمایه‌گذاری و غیره به کمک اطلاعات حسابداری تورمی جهت‌گیریهای صحیح‌تری می‌یابند.

۳- حسابداری اجتماعی^۲

اطلاعات مختلفی که سیستمهای اطلاعاتی فعلی در مورد چگونگی عملیات و نتایج فعالیتهای یک سازمان یا شرکت ارائه می‌کند در بردارنده اطلاعاتی در مورد اثر وجودی سازمان بر جامعه نیست؛ مثلاً نشان نمی‌دهد که ارزش افزوده حاصل از فعالیت شرکت چقدر است. یا اینکه شرکت چقدر به محیط زیست اطراف خود آسیب می‌رساند و آن را آلوده می‌کند و یا میزان این آسیب چه اندازه است. امروزه حسابداری اجتماعی به عنوان یکی از حوزه‌های بحث‌انگیز دانش حسابداری ضرورت اندازه‌گیری و گزارش اثر اجتماعی شرکت و سازمان را مطرح می‌کند و این باور را بوجود آورده که در طراحی سیستمهای اطلاعاتی جدید باید به نحوی این سنجشها انجام و گزارش شود. از این نقطه نظر شرکت به عنوان جزئی از

1- Inflation Accounting

2- Social Accounting

مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی علاوه بر آنکه آثار فعالیتها خود را برای صاحبانش اندازه می‌گیرد باید این امکان را نیز فراهم کند که اثر خود بر نظامی که زیر مجموعه آن تلقی می‌شود را نیز اندازه گرفته و اطلاعاتی در مورد آن ارائه کند. بعید نیست که در آینده نه چندان دور سازمانها قانوناً به ارائه چنین اطلاعاتی مجبور شوند.

۴- رویکردهای علمی در مدیریت^۱

تئوریزه شدن فرآیند تصمیم‌گیری^۲ در بستر علم تصمیم‌گیری مدیران را به اتخاذ تصمیمات به شیوه علمی و استفاده از تکنیکهای مختلف تصمیم‌گیری راغب کرده است. سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری امروزه کمک منظم و سازمان یافته‌ای به استفاده از مدل‌های مختلف تصمیم‌گیری نمی‌کنند و در واقع ورودیهای این مدلها را مشخصاً تولید نمی‌کنند. عقیده بر این است که سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری قابلیت این را دارند که داده‌های مورد نیاز این مدلها را فراهم کرده و از این راه نیز به مدیران در استفاده از شیوه‌های علمی تصمیم‌گیری و راه‌آورد‌های دانش تصمیم‌گیری و تکنیکهای پژوهش عملیاتی^۳ کمک کنند.

خلاصه و نتیجه

در این مقاله بحث مختصری در مورد اهمیت نقش اطلاعات در تصمیم‌گیریهای مدیران و جایگاه سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در این زمینه ارائه شد و ضمن بر شمردن دلایل این امر چگونگی طرح موضوع سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در برنامه آموزش دانشگاهی این رشته و جایگاه آن در سازمانهای ایرانی مطرح شد. راه‌هایی نیز برای رفع مشکلات و موانع قرار گرفتن موضوع سیستم‌های اطلاعاتی در برنامه درسی و استقرار سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در سازمانها ارائه شد. نهایتاً درباره زمینه‌های تازه‌ای که در طراحی سیستمها

1- Scientific Approaches in Management

2- Decision Theory

3- Operation Research

اطلاعاتی حسابداری باید مد نظر قرار گیرد، بحثی مختصر به میان آمد. نتیجه‌ای که از مجموعه مباحث این مقاله و طرح بحث سیستمهای اطلاعاتی می‌خواهیم بگیریم آن است که در سازمانهای ایرانی معمولاً با سیستمهای اطلاعاتی بیماری سروکار داریم که گاه دست و پاگیر و آزار دهنده شده‌اند و کمک اثربخشی به تصمیم‌گیرهای اداره کنندگان سازمانها نمی‌کنند. برای حل این معضل هم در برنامه آموزشی رشته حسابداری و هم در نحوه نگرش مدیران نسبت به سیستمهای اطلاعاتی حسابداری، باید تحولاتی پدید آید و حاصل کار، ترفیع جایگاه کنونی سیستمهای اطلاعاتی حسابداری در سازمانها و نزدیک شدن آن به منزلت واقعی سازمانی است. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار داشت نظام اطلاعات مالی مددکار مدیران در اداره بهینه سازمانها و شرکتها و زمینه ساز پیشرفت و بهبود موقعیت آنها باشد. پیشرفت تکنولوژی داده‌پردازی بستر مناسب و مساعدی را برای تحقق این امر پدید آورده است به نحوی که می‌توان ادعا کرد هیچگاه شرایط تا این اندازه مساعد نبوده است.

منابع و مآخذ

- 1- Cushing, Barry E., "Accounting Information Systems and Business Organizations", 3rd ed., Addison Wesley, 1982.
- 2- Wu, Fredrick H., "Teaching Accounting Information Systems: A Synthesis", Issues In Accounting Education, 1983, PP. 132 - 142.
- 3- Mcleod, Raymond Jr., "Management Information Systems", 4th. ed., Maxwell MacMillan, 1990.